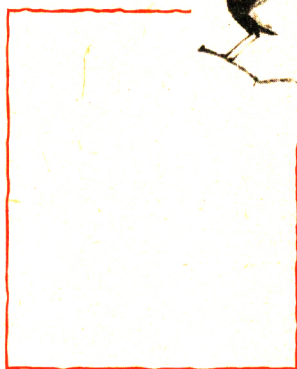


# پیامبر و دیوانه

جبران خلیل جبران  
نجف دریابندری



تهران، نوروز ۱۳۹۶

فهرست

۱۳	پیش‌گفتار مترجم
۲۹	کتاب اول: پیامبر
۳۱	_____ آمدن کشتی
۳۹	دربارهٔ مهر
۴۳	دربارهٔ زناشویی
۴۵	دربارهٔ فرزندان
۴۷	دربارهٔ دهش
۵۱	دربارهٔ خوردن و نوشیدن

۱۳۹	دوست من
۱۴۲	مترسک
۱۴۳	خوابگردها
۱۴۴	روپاه
۱۴۵	دو زاویه نشین
۱۴۷	درباره دادن و گرفتن
۱۴۸	هفت خویشتن
۱۵۱	جنگ
۱۵۳	سگ دانا
۱۵۴	پادشاه دانا
۱۵۶	آرزو
۱۵۸	تفریح تازه
۱۵۹	زبان دیگر
۱۶۱	انار
۱۶۳	ستاره شناس
۱۶۴	سه مورچه
۱۶۶	گورکن
۱۶۷	چشم
۱۶۸	شهر مبارک
۱۷۱	خدای خوب و خدای بد
۱۷۲	وو شکست
۱۷۴	شب و دیوانه
۱۷۷	چهره‌ها
۱۷۸	دریای بزرگ‌تر
۱۸۱	مصلوب
۱۸۳	دو قفس
۱۸۴	خواهش بزرگ

۵۳	درباره کار
۵۸	درباره شادی و اندوه
۶۰	درباره خانه
۶۴	درباره پوشاک
۶۶	درباره داد و ستد
۶۸	درباره جرم و جزا
۷۴	درباره قانون
۷۷	درباره آزادی
۸۱	درباره خرد و شور
۸۴	درباره درد
۸۶	درباره شناخت خویشتن
۸۸	درباره آموزش
۹۰	درباره دوستی
۹۲	درباره سخن گفتن
۹۴	درباره زمان
۹۶	درباره خوبی و بدی
۱۰۰	درباره دعا
۱۰۳	درباره لذت
۱۰۷	درباره زیبایی
۱۱۰	درباره دیانت
۱۱۳	درباره مرگ
۱۱۵	بدرود
۱۳۳	کتاب دوم: دیوانه
۱۳۵	چگونه دیوانه شدم
۱۳۷	خدا

- ۱۸۶ ..... چنین گفت تیغهُ یک گیاه
- ۱۸۷ ..... روی پله‌های معبد
- ۱۸۸ ..... دو مردِ دانشمند
- ۱۸۹ ..... هنگامی که اندوهِ من به دنیا آمد
- ۱۹۱ ..... و هنگامی که شادی من به دنیا آمد
- ۱۹۳ ..... «و جهان کامل»



ای مردمانِ اُرفالِس، شما می‌توانید دُهل را در پلاس  
بپیچید و سیم‌های ساز را باز کنید، اما کیست که  
بتواند چکاوک را از خواندن باز دارد؟

— فصل قانون

«نپرسید کشورتان چه کاری برای شما می‌تواند بکند، بپرسید شما  
چه کاری می‌توانید برای کشورتان بکنید.»

این سخنان بخشی‌ست از نطقی که جان اف کندی در مراسم تحلیف  
ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۱۹۶۱ ایراد کرد، و سپس  
به اندازه‌ای شهرت یافت که امروز برخی از مردم امریکا آن را  
به صورت کتیبه به دیوار خانه خود می‌آویزند.

اما حقیقت این است که این دو جمله نزدیک پنجاه سال  
پیش‌تر در مقاله‌ای در یک روزنامهٔ عربی چاپ لبنان آمده بود، و  
نویسندهٔ آن جوان گمنامی بود به نام جبران خلیل جبران، که بعدها  
در امریکا به سبب نوشتن چند اثر شعرگونه و عرفان‌آمیز به زبان  
انگلیسی شهرت فراوان یافت. مهم‌ترین این آثار کتاب کوچکی  
است به نام پیامبر، که از سال انتشارش، ۱۹۲۳، تا کنون همیشه  
در میان خوانندگان زبان انگلیسی دست به دست گشته است و  
به بیشتر زبان‌های دنیا بارها ترجمه شده (در زبان فارسی، گذشته  
از ترجمهٔ حاضر، مترجم دوازده ترجمه از این کتاب دیده است).

در آن جمله‌ای که از زبان کندی معروف شد خطاب نویسنده

به جوانان آزادی خواه سرزمین‌های عربی است که در آن هنگام زیر فرمان امپراتوری عثمانی بودند و برای به دست آوردن استقلال تلاش می‌کردند. روشن است که جبران جوان هم در آن مبارزه مشارکت داشته است.

اما نکته‌ای که از خواندن آن مقاله و سایر مقالات سیاسی خلیل جبران برمی‌آید این است که لحن کلام نویسنده سیاسی و روزنامه‌ای (ژورنالیستی) نیست؛ کلام او کلام شاعر و عارفی است که وارد سیاست شده است و گویی از روی ناچاری مقاله سیاسی می‌نویسد. برای نمونه، او جنبش استقلال طلبی سرزمین خود را چنین توصیف می‌کند:

«در خاور میانه بیداری خواب را نهیب می‌زند. این بیداری پیروز خواهد شد، زیرا سردار آن خورشید است و لشکرش سپیده دم.»

یا:

«آنگاه که بهار سرود خود را سر می‌دهد، مردگان زمستان برمی‌خیزند، کفن را دور می‌اندازند و به پیش می‌تازند.»

این سطرهارا می‌توان در آثار بعدی جبران، از جمله *پیامبر*، گنجانند، بدون آن که وصله ناچوری به نظر برسند.

۱۶ جبران خلیل جبران — که بعدها در آمریکا به نام کوتاه شده

«خلیل جبران» معروف شد — در سال ۱۸۸۳ در دهکده کوهستانی سرسبزی به نام بِشَرّی در شمال لبنان در یک خانواده مسیحی مارونی به دنیا آمد. مارونی‌ها پیروان فرقه‌ای از مذهب کاتولیک هستند که در قرن پنجم میلادی، پس از رخ دادن انشعاب در کلیسای بیزنطیوم (روم شرقی)، به دست راهبی به نام مارون قدیس پی‌ریزی شد و در خاور میانه گسترش یافت. امروز بیشتر مسیحیان عرب از این فرقه‌اند. روحانیان کاتولیک مارونی برخلاف روحانیان کاتولیک رومی حق ازدواج دارند، و مادر جبران خلیل دختر بی‌سواد یک کشیش مارونی بود. پدر جبران، که او هم جبران خلیل نام داشت، مرد مسؤولیت‌ناشناسی از کار درآمد و خانواده‌اش را فقیر و بی‌سرپرست گذاشت.

تحصیلات جبران خلیل هم در کودکی ناگزیر فقیرانه بود و کمابیش به خواندن ترجمه عربی کتاب مقدس و فراگرفتن مبادی مسیحیت به زبان سریانی نزد کشیش دهکده منحصر می‌شد. جبران تحصیلات جدی‌تری نه چندان مفصل خود را بعدها در آمریکا — و نیز در سفر چهارساله‌ای به لبنان — انجام داد.

تا پیش از پایان جنگ جهانی اول سرزمین لبنان، مانند سایر سرزمین‌های عربی، جزئی از امپراتوری وسیع عثمانی بود. مردم سرزمینی که در آن زمان «سوریه بزرگ» نامیده می‌شد و سوریه امروزی و فلسطین و لبنان را در برمی‌گرفت از اواسط قرن گذشته تلاش خود را برای استقلال آغاز کرده بودند، ولی آن تلاش به سبب دوگانگی میان مسیحیان و مسلمانان عرب، به ویژه در خاک لبنان، با پیچیدگی و ناآرامی همراه بود. یکی از موجبات این